

سفرنامه حاج سیاح به فرنگ

● سفرنامه حاج سیاح به فرنگ

● بکوشش: علی دهباشی

● ۵۳۹ + چهار ص - ۱۳۷۸

● انتشارات سخن با همکاری شهاب

۳۱۹

خودمانیم این دوست ما علی دهباشی هم پدیده ایست. می داند و می دانیم که از بیماری آسم رنج می کشد. اما پزشکان معالجتش را در نهایت ادب با حرف گوش نکردنهایش کلافه کرده و توصیه های صادقانه دوستانش را با تواضع نشنیده می گیرد. زحمات بی دریغ و جانکاهش را برای انتشار به هنگام بخارا شاهدیم. به علاوه این اواخر چندین و چند کتاب ارزشمند به کوشش او منتشر شده است: از جمله «یاد سید محمد علی جمالزاده»، «خاطرات اردشیر آوانسیان» و به تازگی «سفرنامه حاج سیاح به فرنگ» که در آمریکا به همت سرکار خانم مهربانو ناصر دیهیم (نوه دختری حاج سیاح) به انگلیسی ترجمه شده است.

سفرنامه حاج سیاح به اروپا کتابی خواندنی، گیرا و پرمحتواست. حاج سیاح بخش مهمی از دنیای متمدن آن زمان را زیر پا گذاشته است. چند زبان انگلیسی، فرانسه، روسی، ترکی استانبولی، عربی و ارمنی را دست کم در حد رفع نیاز روزانه خود آموخته است. او در طول این سیاحتها که بیست سالی طول کشیده علاوه بر دیدار از شهرها و ممالک مختلف، با برخی از رجال و مشاهیر آن عصر، از جمله پاپ، گاریبالدی، الکساندر دوم، تزار روسیه، لئوپولد اول پادشاه بلژیک، سید جمال الدین اسدآبادی و آقاخان محلاتی نیز ملاقات کرده است. سیر و سلوک حاج سیاح در این سفرها از جذائیتی استثنایی برخوردار است.

چاپ سفرنامه حاج سیاح به فرنگ براساس نسخه خطی منحصر محفوظ در کتابخانه دانشکده

An Iranian in
Nineteenth Century Europe
The Travel Diaries of
Hâj Sayyâh
1859-1877

Translated by
Mehrbanoo Nasser Deyhim

Foreword by
Peter Avery



IBEX Publishers
Bethesda, Maryland

۳۲۰

ادبیات مشهد انجام گرفته است. کار استنساخ، ویرایش و آماده‌سازی این سفرنامه دو سالی وقت علی‌دهباشی را گرفته است. عمده همت او در این مدت صرف کارهایی نظیر دقت و قرائت ضبطها و یا یافتن معانی برای برخی اصطلاحات مهجور و نظایر آن بوده است. توضیحات بسیاری توسط مصصح به متن سفرنامه در جهت آگاهی خواننده این زمان سفرنامه در پانوشت صفحات کتاب آمده‌اند که روشنگر است. همچنین فهرست موضوعی کاملی با توجه به شأن تاریخی سفرنامه برای این کتاب ترتیب یافته که در پایان کتاب آمده است.

مطلع شدیم که متن سفرنامه آمریکا و ژاپون حاج‌سیاح نیز توسط علی‌دهباشی سخت‌کوش در دست استنساخ، ویرایش و آماده‌سازی است و این نسخه از سفرنامه از بین نرفته است و امید که هر چه زودتر منتشر شود.

انتشار ترجمه انگلیسی این سفرنامه همراه با پیشگفتاری از پروفیسور پیتر ایوری از دانشگاه کمبریج انگلستان است. که ترجمه فارسی آن را در زیر می‌خوانید و از نظر او درباره این سفرنامه و ترجمه‌اش به انگلیسی آگاه می‌شوید.

مینو مشیری

مقدمه پروفیسور پیتر ایوری به سفرنامه حاج سیاح به فرنگ

از یک سو این سفرنامه جذابیت و وسوسه یک آلبوم کارت پستال قدیمی را دارد که عکسهایش اکثراً به رنگ قهوه‌ای مایل به قرمز درآمده و فرستنده‌هایشان در واپسین سالهای سده نوزدهم و دهه اول یا دوم قرن جاری به آن دیارها سفر کرده‌اند. قرازهایی از آنچه حاج سیاح درباره شهرهایی که دیده و گاه در آنها مدتی جا خوش کرده نگاشته است مشخصه عصری است که از هنرهای بارزش عکسهای سفید و سیاه و یا رنگی از مناظر، ابنیه، عمارات، و البته مردمانی است که دوربین ثبت کرده است. پس از سفر به ایتالیا و فرانسه که نویسنده در مقام مترجم زبان فرانسه یک سیاح ارمنی هزینه سفرش را تأمین کرد و میانشان دوستی پایداری برقرار گردید، اشاره می‌کند که به اتفاق می‌روند و پس از گرفتن یک عکس یادگاری با تأثیر یکدیگر را ترک می‌گویند. آنها هنگامی به پاریس رسیدند که ناپلئون سوم بد اقبال، به یکی از آخرین ترفندهایش برای نجات حکومت متزلزلش دست زده بود: نمایشگاه بین‌المللی ۱۸۶۷. اما سوء قصد نافرجام پرژاوسکی لهستانی [BEREZOWSKI] به تزار الکساندر دوم، وقتی تزار در جوار مهماندارش امپراتور فرانسه در کالسکه سلطنتی سوار بود، اوضاع نمایشگاه را به هم پاشید.

۳۲۱

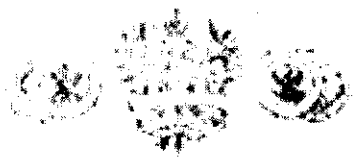
حاج سیاح حکایت این دوران را، با شیوه خاص خودش، بی‌طرفانه و مبتنی بر واقعیت، مکتوب کرد و آن را به سفرنامه‌ای بس گیرا و خواندنی مبدل ساخت. ویراستاری استادانه ترجمه انگلیسی که برگرفته از نسخه اصل فارسی آن است، حق شناسی و تحسین هر خواننده‌ای را برمی‌انگیزد. حاج سیاح در سفرنامه‌اش هرگز مبالغه نمی‌کند، اما کتاب برخوردار از شور و شوق ویژه‌ای است، چراکه نوشته هشیارانه مردی است اهل تساهل و تسامح که ایمان راسخ و وجدان آسوده‌اش پذیرای همه بندگان متفاوت خدا است، با تمام صفات و عیوبشان. او بر این باور است که انسانها همانگونه‌اند که پروردگار خلقشان کرده است. فراسوی تأثیرگذاری‌های بصری مانند ویلاهای سفیدرنگ در دل جنگلهای سبز بر فراز رود دانوب، تا آنجایی که دریای مدیترانه سواحل غرب ایتالیا را بوسه می‌زند، یا ابنیه تاریخی، یا دژی کهنسال بر فراز تپه‌های بالکان، سفر طولانی حاج سیاح سیر و سفر یک صوفی است، یک صوفی آشتی با خود و در نتیجه آشتی با دنیا.

از سوی دیگر در این مقام است که سفرنامه تا این درجه اثرگذار و تکان دهنده است و اهمیتی به مراتب بیشتر از آنچه یک آلبوم عکس می‌تواند داشته باشد، دارد. صوفی نوآموز به دستور مرشد راهنمایش برای تزکیه روح مدتی جهان خاکی را درمی‌نوردد تا شاهد تجلی و جذابیت طبیعت و انسان گردد. هنگامی که در پایان تابستان سال ۱۸۵۹ مسافر سلطان آباد شهری واقع در قلب ایران، را ترک می‌گوید، حال و هوای زائری را دارد که مانند پیروان مسیح و به دستور او



پروشکا گاه آدم انانی معاملات فریبگی
 پرتال جامع علوم انسانی

И ДЪЛГОУЧЕНЕ
 КУДИСА МОСТЪ



ВЪ МОСКВѢ.
 ДОМЪ № 11.



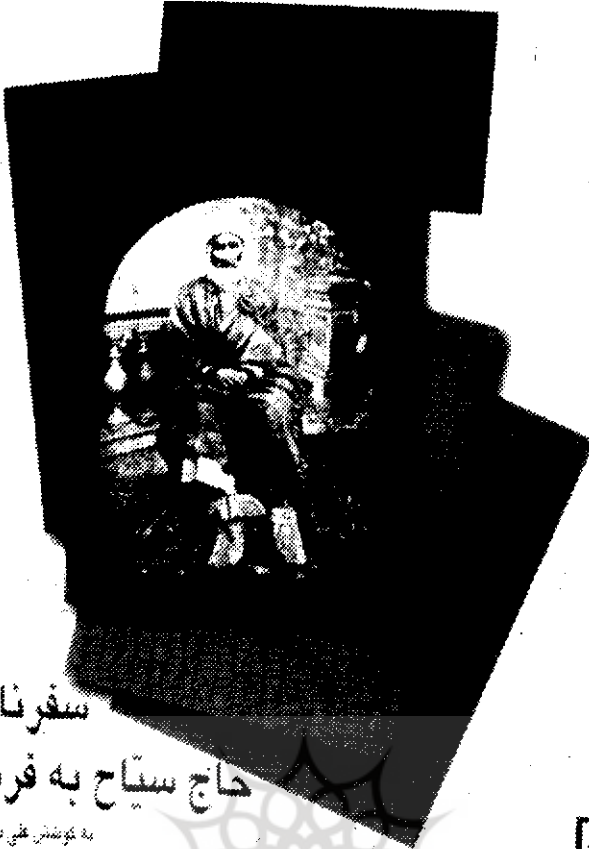
خط ناصرالدین شاه در حاشیه عکس:
 رمضان ۳۰۸ - توشقان ٹیل - ثور - (خیلی پدرسوخته است حاجی سیاح محلاتی معروف است پاهایش
 راکه بسته است خودش را از بالاخانه پرت کرده بود که دربرود دوباره حبس شد)

عکاس: آقا میرزا محمد علی
 ناصرالدین شاه
 خانزاد محمد حسن قاجار

خط ناصرالدین شاه در حاشیه عکس:

رمضان ۳۰۸ - توشقان ٹیل - ثور - (خیلی پدرسوخته است حاجی سیاح محلاتی معروف است پاهایش

راکه بسته است خودش را از بالاخانه پرت کرده بود که دربرود دوباره حبس شد)



سفرنامه حاج سیاح به فرنگ

به کوشش علی دهخدا



پیوندهای خانوادگی را گسستند تا از محدودهٔ افق‌های بسته‌شان بیرون رفته و درک بهتری از جهان پیدا کنند.

حاج سیاح نیز خواستار رهایی از تاریکی جهل به مدد روشنگری زبانهای خارجی و آداب کشورهای دیگر بود. زائر ایرانی که باید اذعان داشت مرکز ادعای صوفی‌گری را نکرد نمونهٔ مرد عصر خود بود. عصر سفرنامهٔ ایرانی «ابراهیم بیگ» و اندیشه و نوشته‌های نسلی از ایرانیان که در آستانهٔ جنبش مشروطیت در دههٔ نخست قرن آتی، با آشنایی با اروپای سدهٔ نوزدهم به کمبودهای اسفناک حکومت و تعلیم و تربیت در کشور خودشان پی برده بودند.

حاج سیاح، به ویژه در اوان سفرهایش، با گرایشات نفسانی به مبارزه پرداخت، از راحت و آسایش گریخت، با پای پیاده، و اغلب بدون کفش، به راهش ادامه داد، از سفر با کالسکه یا ترن پرهیز کرد، عزت نفس، به قیمت انگ احتمالی بی‌نزاکتی، اجازه نداد از افراد متمکنی که در طول راه از فروتنی و تواضع او خوششان آمده بود، هرگز پولی قبول کند. همچنین با امتناع از سکونت در منازلی که درهایشان را سخاوتمندانه برویش گشودند ریاضت بر خود روا داشت و تمایلش را که تحصیل علم و آموزش زبانهای خارجی بود به اثبات رساند. زبان هر قومی را که شناخت، آموخت. ترکی آذری را در تبریز، ارمنی و گویش‌های محلی را در قفقاز، ترکی استانبولی و فرانسه را در ترکیه.



● مهربانو ناصر دهبیم - مترجم انگلیسی سفرنامه حاج سیاح و نوه دختری او

جای تردید نیست که حاج سیاح در فراگیری زبان استعداد ذاتی داشت و مردی تیزبین و دقیق بود. جمعیت هر شهر و شهرستانی را که زیر پا می گذاشت همراه با تعداد مدارس و دانشگاه‌هایشان را یادداشت می کرد: دغدغه اصلی اش با سواد شدن هموطنانش بود، همانگونه که بی شک دغدغه خاطر بسیاری از ایرانیان هم نسل خودش بود که در مقایسه با کشورهای اروپایی متوجه کمبود و کاستی آن در مملکت خودشان بودند. قابل ذکر است که حاج سیاح با حروفچینی شربی در تبریز آشنا شد، تبریز اولین شهر ایران بود که نخستین کتاب غیر لیتوگراف شده در آن به چاپ رسید. او نه فقط از مدارس خارجی و نظامی بازدید کرد - و همواره به آراستگی سربازان آن مدارس نظامی اشاره دارد - بلکه به چاپخانه‌ها می رود و به تولید انبوه روزنامه‌ها توجه نشان می دهد.

سفر «زیارتی» حاج سیاح در جستجوی «بذرهای ترقی و پیشرفت» نفی ویژگیهای تصوف او نیست. درک غلط ماهیت عرفان است اگر جنبه‌های بارز عملی عرفان اسلامی را نادیده بگیریم، به ویژه عرفانی را که آموزگاران بزرگ قرون وسطای ایران تدریس می کردند. علاوه بر این، لازم به تأکید است که در طی سفرهایی که حاج سیاح را دو بار به فرانسه و انگلستان روانه کرد، و در انگلستان ادینبورگ را شهری بسیار زیبا توصیف کرد، یا ترکیه، ایتالیا و اودسا که در آن حضور تزار شرفیاب شد، و یا وقتی سواحل دریای سیاه و مدیترانه و آدریاتیک را زیر پا می گذارد هرگز ویژگی خاص ایرانی بودنش را از دست نمی دهد و هر کجا که می رود، قسمتی از ایران را با خود

همراه دارد. وقارِ خاصِ ایرانیان در حاجِ سیاحِ تجلیِ کاملِ پیدا می‌کند.

در نتیجه هر کس توفیق خواندن این سفرنامهٔ زیبا و شعرگونه را پیدا می‌کند، اثری از دل‌برخاسته، با دید یک ایرانی از شهرهای اروپا در دهه‌های پایانی سدهٔ نوزدهم آشنا می‌شود، دیدی عاری از تعصب و یا اعمال سلیق شخصی، و همچنین با نمونه‌ای بارز از ظرافت و فرهیختگی شخصیت ایرانی اُلفت می‌گیرد. در ابتدا به نظر می‌رسد که کتاب به‌گندی پیش می‌رود، اما این اثر ضرب آهنگ و یژه‌ای دارد که به آن چست و چالاکی می‌بخشد. کتاب از کیفیتی برخوردار است که خوانندهٔ نکته‌سنج به ارزش آن پی می‌برد و ضمناً، برای متخصص اهل فن، علاوه بر لذتی که خواندن آن نصیبش می‌کند، این امکان را می‌دهد که این سفرنامه را در کنار کتابهای دیگر ذریط به تاریخ بیداری ایرانیان در قرن نوزدهم و اوایل قرن بیستم جا دهد.

یادآوری برای مشترکان محترم

با ارسال این شمارهٔ بخارا اشتراک مشترکین سال اول به پایان می‌رسد. چنانچه مایل به دریافت مجله در سال دوم هستید خواهشمندیم هرچه زودتر وجه اشتراک خود را بپردازید.

بخارا از جملهٔ مجلاتی است که از درآمد اشتراک، نفسی به سختی می‌کشد و امیدواریم دوستان به ماندگاری آن علاقه داشته باشند.